



تأثیر دیدگاه‌های بشر در شکل‌گیری و به کارگیری نقش‌مایه خورشید

از پیدایش اجتماعات اولیه نوسنگی در آسیای میانه تا التقاط هنر این منطقه با یونان

سیده کبری هویت طلب

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته صنایع دستی

چکیده

یکی از راه‌های ارتباط با فرهنگ و هنر یک قوم آشنایی با باورها و اعتقادات آن قوم در طی تحول جامعه است. هدف کلی این مقاله بررسی چگونگی تجلی باورها و دیدگاه‌های بشر در قالب نقش است با این هدف ویژه که تأثیر تغییرات اجتماعی و متعاقباً تغییرات دیدگاه‌ها را بر روی به‌کارگیری نقش خورشید بررسی نماید. با تحقیقات کتابخانه‌ای و تحلیل‌های مقایسه‌ای، این تحقیق ضمن بررسی تأثیر دیدگاه‌های متأثر از یکجانشینی و کشاورزی در دوره نوسنگی بر تجلی نقش خورشید، به چگونگی ترکیب نقوش برای بیان مفاهیم و کارکردهای این نقش در باورهای آن دوره اشاره می‌نماید. سپس به بحث درباره تغییر دیدگاه‌ها با تاسیس سلسله‌ها و تأثیر آن بر چگونگی حضور معانی مرتبط با خورشید می‌پردازد. اوج‌گیری اسطوره‌ها و حضور داستانها در قالب تصویر به تبع از دیدگاه‌های اسطوره‌ای بر چگونگی حضور معانی مرتبط با خورشید، توسط عناصر تصویری مشابه از دیگر نکات مطرح شده در تحقیق می‌باشد. با ورود یونانیان شاهد دوره‌هایی از التقاط هنری هستیم که دغدغه این تحقیق نمی‌باشد.

واژگان کلیدی:

کشاورزی، خورشید، سلسله‌های پادشاهی، بزرگی بخش، اسطوره، استعاره.

مقدمه

بشر همواره با محیط پیرامون خود ارتباط دارد و به تناسب نوع زندگی، عناصر موجود در طبیعت را وارد زندگی خود می‌کند. او همواره در پی بیان اعتقادات و باورهای خویش است، پس، از عناصر پیرامون خود برای بیان آن بهره می‌برد. در این روند آنچه چشم او می‌بیند در ذهنش پرداخته شده و توسط دست در قالب نقش و فرم تجلی پیدا می‌کند. یکی از عناصر طبیعی که همواره در زندگی بشر نقش مهمی دارد خورشید است. همان‌طور که گفته شد؛ این مقاله تاثیر نحوه نگرش انسان را بر تجلی نقش خورشید بررسی می‌کند. در این راستا اجتماعات و تمدن‌های مطرح در تاریخ آسیای میانه با تاکید بر بین‌النهرین به عنوان نمونه انتخاب شده است و بیان تاریخ‌ها تنها جهت روشن‌تر شدن دیدگاه‌های حاکم در آن دوران است. تقسیمات تاریخی بر مبنای رویکرد "هلن کارنر" عنوان شده است. برای آشنایی با پیش‌زمینه زندگی و ذهنی انسان نوسنگی، اشاره‌ای کوتاه و گذرا به پیش از دوره نوسنگی در آسیای میانه می‌نماییم. در تقسیمات تاریخ هنر و باستان‌شناسی، پیش از دوره نوسنگی در آسیای میانه دو دوره دیرینه سنگی و میانه سنگی در نظر گرفته شده است.

دیرینه سنگی

در حدود سالهای ۲۰ تا ۸ هزار سال پیش از میلاد در آسیای میانه، انسان کوچ‌نشین و شکارگر بوده است. دیدگاه حاکم بر زندگی او غلبه بر شرایط، برای بقا و شکار و به نوعی ترس بوده است. اگر چه او دارای عقل و اندیشه است ولی زندگی در این شرایط ترسناک و جستجوی غذا، فرصتی برای ابداع در اختیاریش نمی‌گذارد. تصاویر ناتورالیستی و به نوعی واقع‌گرایانه و نقوش در خدمت بیان مسائل مربوط به شکار و ترس است.^(۱)

میانه سنگی

از حدود ۸ تا ۶ هزار سال پیش از میلاد مسیح انسان وارد دوره میانه‌سنگی می‌شود. اگر چه هنوز کوچ‌نشین است در پی جمع‌آوری غذا، ولی زندگی اجتماعی‌تر شده است. در این دوره او شروع به اهلی کردن حیوانات می‌کند و کشاورزی را تجربه می‌نماید ولی همچنان در پی یافتن محل سکونت، غذا و بقا خود است. پس دیدگاه‌های او به تاثیر از ترس و عدم امنیت شکل می‌گیرد. در عین حال با آرامش نسبی که در جمع به دست آورده فرصت تفکر و تعقل برایش بیشتر شده و

اگر چه تصاویر هنوز ناتورالیستی است ولی به گونه‌ای خلاصه‌تر شده است که ناشی از تعقل اوست و نقوش برای بیان منظور و مفهوم خاص نقش می‌بندد.^(۲)

نوسنگی

از حدود ۶ تا ۳ هزار سال پیش از میلاد که بحث اصلی از اینجا شروع می‌شود، ما شاهد پیدایش اجتماعات کشاورزی در روستاها هستیم.^(۳) انقلاب بزرگ در گذر از جمع‌آوری غذا به تولید آن، نقش بزرگی در زندگی انسان و متمدن شدنش ایفا می‌کند.^(۴) دیدگاه حاکم بر انسان نوسنگی یکجانشین کشاورز، تفکر در باره عوامل طبیعی تاثیرگذار بر زندگی اوست و خورشید یکی از این عوامل مهم است. خورشید عامل رشد گیاهان و پیدایش محیط اطراف در روز است. تفکر درباره خورشید و رفت و آمد آن و پیدایش شب و روز، انسان متعقل نوسنگی را به تامل درباره زمان و گذر آن وامی‌دارد و این موجب تفکر درباره آتیه می‌شود. او زمین‌های زیادی را می‌پیماید تا محل مناسبی برای کشاورزی و زندگی پیدا کند، پس به گونه‌ای با مفاهیم جهات جغرافیایی آشناست. او زمین‌هایش را برای کشاورزی تقسیم می‌کند و این دیدگاه‌ها بر بیان تصویری او تاثیر می‌گذارد. در اواخر این دوره شاهد اختراع چرخ سفالگری و خط هستیم که دو نشانه مهم تعقل انسان و ذهن ریاضی‌گونه او بوده است.^(۵) او مهارت لازم برای نقش‌اندازی را یافته است ولی برای انتخاب عناصر تصویری مناسب در بهتر بیان نمودن مفاهیم مورد نظرش با نقش درگیر می‌شود. انسان از عناصر تصویری پایه مثل خط کمک می‌گیرد و کم‌کم اشکال پایه‌ای را برای بیان نمادین از مفاهیم انتخاب می‌کند. مثل دایره که برای بیان نمادین مفهوم خورشید انتخاب می‌شود. داشتن خواص بیشترین تقارن، سادگی بصری و ساختمانی و پیوستگی و تمامیت دایره، موجب می‌شود که انسان از آن به عنوان شکل خلاصه شده‌ای برای بیان مفهوم کمال بخشی خورشید یا گردش دائمی آن و حتی تداعی فرمی خود خورشید استفاده کند مانند تصاویر شماره ۱، ۲، ۳ که سه نمونه از این نقوش را نشان می‌دهد. دیدگاه‌های موجود در آن دوره به نوعی



تصویر شماره ۱



تصویر شماره ۲



تصویر شماره ۳



تصویر شماره ۷

آسمان را به پادشاه می‌بخشد و محافظ اوست.^(۸) تصویر شماره ۷، لوح نارامسین است که روایت پیروزی "شاه اکدی" است. خدایان خورشید؛ شمش و ایشتر به عنوان ستاره‌های نیک‌بختی بالای سر شاه دیده می‌شوند که همراه و ناظر و محافظ شاه هستند و مقام اولوهیتی او را تایید می‌کنند.^(۹) البته در این دوره، نقوش

همچنان بر روی ظروف حضور داشته و بیشتر در خدمت فرم کلی ظرف به شکل پرنده بوده و به این منظور از نقوش برای تزیین آن استفاده شده است. نقش دایره که در دوره نوسنگی به دفعات به عنوان چشم آسمان یا خورشید بر روی ظروف حضور داشت (نمونه آن را در تصویر شماره ۴ دیدیم) اکنون به عنوان پرنده بر روی ظرف نقش می‌بندد. در این دوره همچنین با رونق صنعت و فلزکاری و به‌ویژه تجمل، اشیاء کاربردی و تزیینی گوناگون هم ساخته می‌شود که از نقوشی چون خورشید برای مزین کردن آنها استفاده می‌شده است. تصویر شماره ۹ پلاکی را با نقش خورشید و ستاره (برای تشخیص بخشی و بیان مقام آسمانی صاحب خود) نشان می‌دهد.^(۱۰)

در هزاره‌های سوم و دوم با پیدایش سلسله‌ها ما شاهد قانون‌گذاری‌ها بودیم. قانون‌مند شدن از دیگر جلوه‌های تمدن است و انسان قانونمند دارای تعاریف اجتماعی است که بر مبنای اعتقادات و سنن به آن رسیده است. گونه‌ای از این تعاریف در داستانها بیان می‌شود و این دیدگاه در هزاره اول با تغییر شکل ۵ در زمینه هنری خود را نشان می‌دهد؛ داستان از نوع بیانی به نوع تصویری تغییر شکل می‌دهد.^(۱۱)

اوج اسطوره‌ها

در اواخر هزاره دوم و بیشتر در هزاره اول دیدگاه‌ها به گونه‌ای اسطوره‌ای است. خدایان از آسمان‌ها در قالب عناصر موجود در طبیعت پایین آمده‌اند و در شکل‌گیری

با باورهای انسان از نیروهای حاکم طبیعت بر زندگی مرتبط است. خدایان قدرتمندی چون خورشید در آسمان وجود دارند که به آنها و زمین‌هایشان نگاه می‌کند. تصویر شماره ۴ و ۵ نمونه‌هایی از نقوشی هستند که خورشید را به عنوان چشم آسمان نشان می‌دهند.^(۱۲) این تصویر به عنوان استعاره‌ای از خورشید به همچنین انسان آن

دوره گاه از ترکیب تصاویر پایه‌ای مثل خطوط متقاطع یا مربع با دایره استفاده می‌کند تا مفاهیم گسترده‌تر مثل ارتباط آسمان و خورشید، با آب‌ها و زمین یا یکپارچگی طبیعت و وصلت را در توصیف نمادین بیان کند. محققان نقوش را تا این دوره به نوعی آیینی و جادویی می‌دانند.^(۱۳) مجموعه تصویر شماره ۶ که همگی از نقوش به کار رفته در سفالینه‌های تپه حصار هستند نمونه‌ای از این ترکیب اشکال است.

پیدایش سلسله‌ها

رونق شهرنشینی از ۳ هزارسال پیش از میلاد مسیح، پس از پیدایش خط و دیگر تحولات مدنیت، پیدایش سلسله‌ها را به همراه داشت که مطرح‌ترین آنها در آسیای میانه در بین‌النهرین شکل گرفت. دیدگاه‌ها به گونه‌ای تغییر می‌کند و جادوی کهن جای خود را به دین خدایان نیک‌خواه و بدخواه می‌دهد. دین به معنی پرستش نیروی برتر به زندگی معنا می‌دهد و طرز بیان آن در هنر را نیز تعیین می‌کند.^(۱۴)

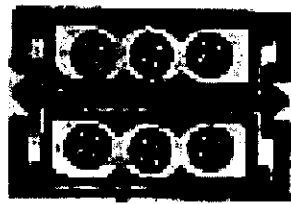
بین‌النهرین که در زیر حمایت خدای شهر بود با پادشاه یعنی پسر و نماینده خدا اداره می‌شد. پس با توجه به مطرح شدن قدرت شاهی و جنگ‌های متعاقب آن، دیدگاه‌ها بر مبنای محوریت پادشاه شکل گرفته و از نقش خورشید برای روایت‌های تاریخی و موضوعات مرتبط با پادشاهان و به نوعی بزرگی بخشی استفاده می‌شده است. شاماش خدای سومری که در همه دولت‌های تمدن بین‌النهرین حضور دارد، نیروی الهی



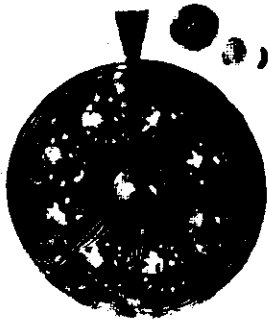
تصویر شماره ۴



تصویر شماره ۵



تصویر شماره ۶



تصویر شماره ۹



تصویر شماره ۱۲

شکل حلقه بالدار حضور دارد. این نقش در ایران باستان نشان سلطنتی شاه یا فرشاهی است و دایره که یک نماد جهانی است، به معنای خورشید است یک بال گسترده که سفر خستگی‌ناپذیر خورشید را در افلاک و نور محافظ نشان می‌دهد. که تمثیلی از فرشاهی است.^{۳۳}

البته در این سالها اوج هنر در منطقه مربوط به ایران است که پس از آن در حدود سال ۳۳۰ پیش از میلاد با حمله اسکندر و ورود یونانیان، دوره‌های التقاط هنری را شاهدیم که دغدغه این بحث نمی‌باشد. بنابراین در هزاره اول پیش از میلاد، تا پیش از ورود یونانیان نقوش اسطوره‌ای بوده که بسیاری از آنها در قالب اسطوره‌های مذهبی و دینی داده می‌شدند.

نتیجه‌گیری

انسان با پشت سر گذاشتن تحولاتی، از مرحله شکار به مرحله کشاورزی پا گذاشت. او هنر پیش‌بینی و دوراندیشی را از طبیعت آموخت و مفهوم زمان را درک نمود. عوامل طبیعی چون روز و شب که خارج از اراده و تسلط او بر زندگی اثر می‌گذاشت، برای او به عنوان عواملی مرموز، جادویی و قابل تقدیس درآمد و خورشید به عنوان یکی از مهم‌ترین آنان، عنصری برای پرستش و توجه بود. انسانی که اکنون به آرامش و امنیت دست یافته بود فرصت خلاقیت یافته و برای انتقال اندیشه‌هایش چون همیشه به هنرمندی دست می‌زند. او با نقش درگیر می‌شود و با گزینش عناصر بصری خلاصه مثل دایره به عنوان نشانه‌ای از خورشید استفاده می‌کند. با رشد صنعت، تمدن و شهرنشینی، پادشاهان نیز بر سر کار می‌آیند. تغییر و تحول ناشی از نظام‌های اجتماعی باعث تغییر در به کارگیری نقوش می‌شود. مفاهیم در بستر رشد اطلاعات و دانایی، از جایگاه جادویی و ناشناخته

اسطوره و افسانه نقش دارند دیدگاه اسطوره‌ای حاکم بر این دوران، گزینش عناصر تصویری را تغییر داده و ما شاهد جایگزینی نقش مایه‌هایی

دیگر برای بیانی نمادین، از مفاهیم خورشید را شاهدیم. اغلب نشانه‌ها از جمله خورشید و فرم دایره‌وار آن به عنوان نشانه‌های سنتی در متن روایات داستانی در قالب نقش حضور می‌یابند. انسان خورشید را با شعاع‌های تابش آن بسیار شبیه به گل می‌داند (این از هزاره‌های قبل نیز در نقوش سفالینه‌ها دیده شده بود) از طرفی معانی نمادین گل در داستان‌ها که با شکفتگی خود بسط در جهان پدیده را با قوای برتر آسمان بیان می‌کند، باعث گزینش این عنصر برای بیان جایگاه اعتقادی خورشید می‌شود. مانند تصویر شماره ۱۰ که یک روایت داستانی اسطوره‌ای و نقش گل با مفهومی که توضیح داده شده را در آن نشان می‌دهد. یکی از نمادهای مرتبط با مفهوم

خورشید، گل لوتوس است که نتیجه تعامل قوای بزرگ آفریننده آتش خورشید و نیروی قمری آب‌های و مظهر خروج خورشید از آب‌های آغازین است در تصویر شماره ۱۱ این گل را در پایان یک جام می‌بینیم.^{۳۴}

نیمه دوم قرن اول پیش از میلاد را زمان ظهور زرتشت پیامبر بزرگ ایران دانسته‌اند. با ظهور او در آسیای میانه اسطوره‌های جدید با فضای جدیدی وارد دیدگاه‌های فکری انسان می‌شود. در این بین برای طرح برخی از این اسطوره‌ها از نمادی چون خورشید و یا دایره به عنوان نشانه‌های سنتی استفاده می‌شده است که نمونه آن در تصویر شماره ۱۲ بر یکی از دیوارهای کاخ شوش داریوش به



تصویر شماره ۸



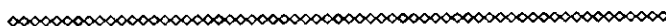
تصویر شماره ۱۰



تصویر شماره ۱۱

می‌گردد و عرصه فرهنگ، خاکی است که نماد در آن می‌روید. نمادها جزئی از حیات معنوی یک قوم شده و از آن فراتر رفته و جهانی می‌شوند پس یکی از راه‌های استمرار و احیای هنر یک قوم، آشنایی با مراحل تغییرات دیدگاه‌های حاکم و تاثیر آن بر نحوه به کارگیری از هنر است، که در این مقاله تا حدودی به آن پرداخته شد.

در خدمت تقدس بخشی و بزرگ‌نمایی قرار می‌گیرند و نقشی چون خورشید با جایگاه آسمانیش بخشاینده قدرتی آسمانی می‌گردد. نتیجه آن که بر طبق آنچه گفته شد انسان مراحل بلوغ مدنیت را به گونه‌ای طی می‌کند که همواره با یافتن حقیقت درگیر است. او همواره در پی بیان یافته‌ها و اعتقاداتش است. خلاقیت موجب بیان نمادین از مفاهیم



فهرست منابع:

پی‌نوشت‌ها:

- ۱- گارنر، هلن؛ هنر در گذر زمان؛ تصحیح: دلاکروا، هورست، تنسی، ریچارد جی؛ ترجمه فرامرزی، محمد تقی؛ انتشارات آگاه؛ تهران؛ ۱۳۷۰.
- ۲- دورانت، ویل؛ مشرق زمین گاهواره تمدن؛ ترجمه: آرام، احمد، آریان پور، امیر حسین، پاشایی، ع؛ جلد اول؛ انتشارات علمی و فرهنگی؛ تهران ۱۳۸۰.
- ۳- واتدنبورگ، لویی؛ بلستان شناسی ایران باستان؛ ترجمه: بهنام عیسی؛ انتشارات و چاپ دانشگاه تهران؛ ۱۳۴۵.
- ۴- کوپر، جی، سی؛ فرهنگ نمادهای سنتی؛ ترجمه: کرباسین، ملیحه؛ نشر فرهنگ؛ تهران؛ ۱۳۷۹.
- ۵- ژیران، ف، لاکونه، گ، دلاپورت، ل؛ اساطیر آشور و بابل؛ ترجمه: آسمائیل پور، ابوالقاسم؛ نشر کاروان؛ تهران؛ ۱۳۸۲.
- ۶- ضیاء پور، جلیل؛ نقوش زینتی در ایران زمین از کهن ترین زمان تا دوره مادها؛ انتشارات اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و هنر؛ تهران؛ ۱۳۵۰.
- ۱۰ - Jastrow Morris J.R.: The Civilization Of Bobylonia And Assirya: Phila: ۱۹۱۵.
- ۱۱ - Carnoy A.J.: 'Iranian Mythology' in mythology of all races: Vol ۶. H.Cary New york: ۱۹۵۶.
- ۱۲ - Hinnells John.: Persian Myths: printed in Hong Kong: ۱۹۸۵.

- 1 - Helen Garner
- 2 - Metaphor
- 3 - Atribute
- 4 - Glophory
- 5 - Metamorph
- 6 - Traditional sign
- 7 - Symbol
- 8 - Allegory

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی